

اشاره:

روز یک‌شنبه (۲۴ مرداد) به دنبال پیشروی‌های سریع طالبان و سقوط اکثر ولایت‌های این کشور، «شرف غنی» رئیس‌جمهور به همراه شماری از مقامات این کشور فرار کرد و همزمان نیروهای طالبان نیز وارد کابل پایتخت افغانستان شدند و بدین ترتیب ارتش ودولتی که آمریکا طی ۲۰ سال گذشته و پس از اشغال این کشور میلیارد‌ها دلار برای آن هزینه کرده بود بدون کوچکترین مقاومتی فرو پاشید. صبح روز یک‌شنبه (۱۴شهریور ماه) نیز گروه طالبان پس از چند روز درگیری در ولایت «پنجشیر» آخرین سنگر مخالفان مدعی تصرف کامل این ولایت مهم شد و اعلام کرد «جنگ تمام شده و دولت جدید طی روزهای آتی تشکیل خواهد شد.» «ذبیح‌الله مجاهد»، سخنگوی طالبان روز سه‌شنبه (۱۶شهریور ماه) نیز اسامی ۲۳ نفر اعضای دولت جدید را اعلام کرد. طالبان بر اساس گزارش‌ها مراسم تحلیف را نیز لغو کرده و اعلام کرد دولت جدید که البته موقت خواهد بود بلافاصله کار خود را آغاز کرده است. اما پرسش مهمی که این روزها ذهن تحلیلگران را به خود مشغول کرده این است که دولت طالبان با چه چالش‌هایی رو به رو است و آیا این دولت توان غلبه بر این چالش‌ها را دارد؟

دولت قومی

افغانستان به لحاظ تنوع قومی سیمای ناهمگونی دارد؛ اقوام و نژادهای گوناگون مانند پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن و قزلباش در این کشور با هم زندگی می‌کنند. بعضی از محققان ۵۵ گروه قومی را در افغانستان نام برده‌اند. لذا هر حکومتی در افغانستان باید براینند این تنوع قومی باشد. تشکیل یک دولت کاملاً قومی در یک کشور متکثر که هیچ گروه قومی اکثریت را تشکیل نمی‌دهد؛ پاشنه آشیلی است که خیلی زود معضلات خود را نشان می‌دهد.

مقامات طالبان مثل «ملا عبدالغنی برادر» و «ذبیح‌الله مجاهد» سخنگوی این‌ گروه بارها اعلام کرده بودند که طالبان درصدد تشکیل یک «دولت فراگیر» با حضور همه اقوام و گروه‌های افغان هستند. اما زمانی که عصر روز سه‌شنبه (۱۶ شهریور ماه) «ذبیح‌الله مجاهد» اسامی اعضای ۳۳ نفری دولت جدید طالبان را اعلام کرد. این کابینه همه را مایوس کرد چسرا که اولین و مهم‌ترین وعده و تعهد طالبان مبنی بر تشکیل دولت فراگیر کاملاً دروغ از اب درآمد. در کابینه جدید معرفی شده خبری از سایر احزاب، گروه‌ها و اقوام نیست و کابینه تقریباً از قوم پشتون و از اعضای اصلی گروه طالبان تشکیل شده است. به باور کارشناسان ایده تشکیل دولت فراگیر از سوی طالبان که نماینده همه جریانات سیاسی، مذهبی و قومی این کشور باشد در عمل نیز اجرایی نبود و به نظر می‌رسد این شعار برای طالبان صرفاً مصرف خارجی داشت. طالبان نه اعتقادی به دولت فراگیر دارد و نه در عمل می‌خواهد که چنین دولتی را تشکیل دهد. تقسیم قدرت در نظام‌های پارلمانی با سابقه چند دهه حکومت حزبی نیز بسیار ناپایدار است و در نظام‌های پارلمانی سقوط دولت‌ها امر رایجی است. اما در کشور افغانستان

مصون خواهند بود». گفته می‌شود

غیر از شبکه منسجم حقانی بسیاری از نیروهای میدانی القاعده و داعش در افغانستان جذب طالبان شده‌اند، و پر واضح است که بر فرض بسیار ضعیف و بعید راستگویی «ملا برادر» و «ذبیح‌الله مجاهد» در مورد دگردیسی طالبان، هیچ نیستی بین هویت سلفی- تکفیری این نیروها با شعارهای داده شده وجود ندارد و طالبان پس از تشکیل دولت مجبور است یا این شعارها را کنار بگذارد یا جنگ داخلی در درون این گروه شروع می‌شود.

چالش تروریسم

در شرایطی که یک گروه یا دولت نمی‌تواند سلطه خود را بر تمامی کشور بسط دهد مناطق خراج از کنترل دولت بهترین مناطق برای حضور گروه‌های تروریستی هستند جغرافیای افغانستان همراه بسا یک دولت ورشکسته طی سال‌های اخیر کاملاً این شرایط را برای گروه‌های تروریستی مثل داعش و القاعده در این کشور فراهم کرده است. طالبان تعهد داده است که خاک افغانستان پایگاه هیچ گروه تروریستی نشود. این گروه مجبور است برای شناسایی از سوی جامعه جهانی با داعش و القاعده مبارزه کند. اما دولت نوپای طالبان اولاً توان و منابع این کار را ندارد ثانیاً بسیاری از نیروهای میدانی داعش و القاعده طی سال‌های اخیر جذب طالبان شده‌اند و در صورت اعلام جنگ طالبان با داعش یا القاعده در افغانستان ممکن است شکاف داخلی در طالبان تشدید شده و جناح‌های ناراضی از طالبان جدا شده و با پیوستن به القاعده و همچنین شاخه «خوراسان» داعش، زمینه تقویت تروریسم در افغانستان بیش از پیش فراهم شود. «انتونی کوردسمن» پژوهشگر در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در «واشنگتن دی سی» نیز می‌گوید که طالبان با «تهدید از جانب شاخهٔ خوراسان داعش» روبرو می‌شود.«ست جونز»، مشاور پیشین فرمانده نیروهای خاص آمریکایی در افغانستان نیز می‌گوید که «شاخهٔ خوراسان داعش که به دلیل حملات پی‌هم نظامیان آمریکایی و افغان به شدت ضعیف شده و شمار جنگجویان آن از مرز ۶۰۰۰ نفر به حدود ۲۰۰۰ نفر کاهش یافته است، اکنون فرصت‌های زیادی برای ظهور مجدد دارد.» «مایکل پریجت»، مقام پیشین اطلاعاتی آمریکا و تحلیلگر استراتژیک «هدسن» نیز می‌گوید که «توسعهٔ به ارتباط طالبان با شبکه حقانی هشدار داده است. «سراج‌الدین حقانی» رئیس گروه حقانی که از سوی طالبان به عنوان وزیر کشور انتخاب شده است گفته می‌شود طی سال‌های گذشته

دریچه‌ای به جهان

khareji@kayhan.ir

راحتی قابل حل و فصل باشد. در صورت انزوای بین‌المللی دولت طالبان و در صورت عدم شناسایی دولت جدید از سوی جامعه جهانی هم بسیار محتمل است طالبان مماشات را کنار گذاشته و برای کنترل جامعه ناراضی افغانستان به رادیکالیسم سلفی- تکفیری گذشته خود رجعت کند.

کمیود نیروی متخصص

چالش دیگر طالبان اداره امور داخلی و خارجی این کشور است. نیروهای

بسیاری از این کمک‌ها در جای درستی هزینه‌نشد.تنها در سال ۲۰۲۰ کمک‌های جامعه جهانی ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی افغانستان را تشکیل می‌داد. حالا با به قدرت رسیدن مجدد طالبان، بخش اعظمی از این کمک‌ها به حالت تعلیق درآمده‌اند. طالبان به بخش مهمی از پول بانک مرکزی افغانستان دسترسی ندارند چسرا که پول‌ها در خارج از افغانستان ذخیره شده‌اند. کافخ شدنی‌باشیش اعلام کرده است که دسترسی طالبان به اموال



طالبان یک بار با پیشسروی سریع خود در افغانستان و تصرف کابل همه را حیرت‌زده کرد و این بار اگر نتواند راه‌حلی برای چالش‌های پیش روی خود پیدا کند؛ فروپاشی سریع دولت آنها جهان را حیرت‌زده خواهد کرد.

وعده تشکیل «دولت فراگیر» از سوی طالبان صرفاً مصرفی خارجی داشت. طالبان نه اعتقادی به دولت فراگیر دارد و نه در عمل می‌خواهد که چنین دولتی را تشکیل دهد.

۸ چالش پیش روی طالبان

برای اداره افغانستان



در صورت بروز شکاف بین طالبان ممکن است بسیاری از نیروهای میدانی داعش و القاعده که طی سال‌های اخیر جذب این گروه شده‌اند جدا شده و به دوباره به شاخه «خوراسان داعش» ملحق شوند.

«سراج‌الدین حقانی» که از سوی طالبان به عنوان وزیر کشور انتخاب شده است گفته می‌شود طی سال‌های گذشته همکاری‌های گسترده‌ای با گروه القاعده داشته است و معلوم نیست چگونه یک تروریست می‌خواهد با تروریسم در افغانستان مبارزه کند.

که هنوز حاکمیت ملی تثبیت نشده و دولت- ملت شکل نگرفته و،فراذ، احزاب، گروه‌ها و قومیت‌ها به جای وفاداری به یک کل واحد به نام افغانستان به قوم و قبیله خود وفادارند تشکیل چنین دولت فراگیری دور از ذهن به نظر می‌رسد. اما دولت تماماً قومی طالبان در سرزمینی که موزائیکی از اقوام و قومیت‌های مختلف است نه امکان باگیری و نه امکان تثبیت دارد و به احتمال زیاد طی ماه‌های آینده مخالفت‌ها با این دولت قومی افزایش پیدا خواهد کرد و آنجاست که طالبان مجبور می‌شود به سیاست دولت قبلی خود یعنی ارعاب و کشتار متوسل شود.

دگریزی‌های درون گروهی

چالش بعدی درگیری‌ها در درون این گروه است. تاکنون شکاف‌ها بین جناح‌های مختلف تشکیل‌دهنده طالبان مشهود نبود چرا که هدف مشترک بزرگ همه گروه‌های شکل‌دهنده طالبان



طالبان برای افزایش ارزش پول ملی، کاهش تورم، تأمین بودجه ادارات دولتی، مبارزه با کرونا، مبارزه با قحطی، مبارزه با گرسنگی تأمین کالا‌های عمومی و همزمان مقابله با چالش‌های نظامی و امنیتی نیازمند منابع گسترده مالی است.

براساس گزارش رویترز بیش از ۱۰ میلیارد دلار دارایی‌های بانک مرکزی افغانستان خارج از این کشور است که برای غرب به منزله اهرم فشاری بر طالبان محسوب می‌شود.

طالبان غیر از جنگیدن در کوه‌ها و دره‌ها چیزی از روند‌های پیچیده اداری و تشکیلاتی نمی‌دانند. طالبان با این سطح از سواد و آموزش سران، فرماندهان و نیروهای میانی و میدانی خود در هیچ کشوری با هر سطح از توسعه‌یافتگی قادر نیست کشور را اداره کنند و الگوی خوبی از حکمرانی به جهان عرضه کند. اداره جامعه امروز افغانستان با ساختار فروپاشیده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در بین سنت و مدرنیسم گیر افتاده است و دولت ملتی به معنای واقعی کلمه در آن شکل نگرفته است کار بسیار مشکلی است که به نظر می‌رسد شانه‌های طالبان توان حمل این بار سنگین را نداشته باشد. طالبان برای غلبه بر این مشکل برای همه کارمندان دولت قبل عفو عمومی اعلام کرده و خواستار بازگشت آنها به سر کار شده است. اما طی ماه‌های

خبر و به دنبال قدرت گرفتن طالبان اخیر و به دنبال قدرت گرفتن طالبان بسیاری از نخبگان این کشور اعم از کارمندان، کارشناسان، اقتصاددان‌ها، تکنسین‌ها، پزشکان، پرستاران و اساتید دانشگاه از افغانستان فرار کرده‌اند و این کشور در بسیاری از حوزه‌ها با کمیود نیروهای متخصص روبه‌رو است. بر اساس آرزوایی سازمان ملل متحد حدود نیم‌میلیون نفر از مردم افغانستان که علت قدرت‌گیری طالبان مایل به ترک این کشور هستند و بسیاری از آنها نیز جزو نیروهای متخصص جامعه افغانستان هستند. بنابراین بحران کمیود نیروی متخصص به نظر می‌رسد طی هفته‌ها و ماه‌های آینده بیش از پیش تشدید خواهد شد. از سوی دیگر بازبینی نظام حقوقی و اداری کشور افغانستان و تطبیق آن با شرعیت اسلامی توسط طالبان در شرایط کنونی کار بسیار پیچیده و زمانبری است و معلوم نیست طالبان با کمیود نیروی متخصص در این حوزه‌ها چگونه می‌خواهد صدها و شاید هزاران قانون و تبصره‌های آنها را تغییر یا اصلاح کند.

چالش اقتصادی

شاید مهم‌ترین و فوری‌ترین چالش امروز طالبان چالش اقتصادی باشد. طالبان برای افزایش ارزش پول ملی، کاهش تورم، تأمین بودجه ادارات دولتی، مبارزه با کرونا، مبارزه با قحطی، مبارزه با گرسنگی، تأمین کالا‌های عمومی و همزمان مقابله با چالش‌های نظامی و امنیتی، نیازمند منابع گسترده مالی است. «یورونیوز» در این باره در گزارشی نوشته است: «افغانستان یکی از فقیرترین کشورهای دنیاست. پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، کمک‌های فراوان خارجی برای بازسازی به این کشور اهدا شده اما به دلیل فساد شدید مالی دولت‌مردان،

صفحه ۸

پنج‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۰

۹ صفر ۱۴۴۳ – شماره ۲۲۸۴۳



در صورت تداوم مقاومت جبهه پنجشیر به رهبری «احمد مسعود» احتمال سرایت این مقاومت به سایر مناطق افغانستان و الگوبرداری از جبهه پنجشیر وجود دارد.

گرفتن زیر خط فقر قرار دارند. این سازمان خواستار افزایش کمک‌های بشردوستانه برای بهبود وضعیت زندگی در این کشور شده است. در گزارش سازمان ملل آمده است: «در صورتی که به درخواست‌ها برای کمک به مقابله با بحران‌های سیاسی و اقتصادی در افغانستان پاسخ داده نشود تا ۹۷ درصد از افغانستانی‌ها با خطر رفتن به زیر خط فقر مواجه هستند». در این گزارش آمده است که «احتمال دارد که تولید واقعی ناخالص داخلی در افغانستان تا ۱۳.۲ درصد کاهش یابد که همین موضوع درصد فقر در این کشور را تا ۲۵ درصد افزایش خواهد داد.» سازمان ملل متحد تقاضای کمک تقریباً ۲۰۰ میلیون دلاری بیشتر برای کم‌های نجات‌بخش در افغانستان کرده است ازآس توسعه ملل متحد نیز می‌گوید «افغانستان در آستانه «فقر همه‌گیر» قرار دارد و این خطر می‌تواند به یک واقعیت تبدیل شود مگر اینکه تلاشی فوری برای تقویت این کشور و اقتصاد آنها صورت پذیرد.

پس از سقوط کابل به دست طالبان تنها مناطقی که در مقابل استیلای طالبان مقاومت کرد ولایت «پنجشیر» به رهبری «احمد مسعود» فرزند «احمدشاه مسعود» بود و خیلی زود بسیاری از نیروی‌های مخالف طالبان به این عازم شده و پنجشیر تبدیل به پایگاه اصلی مخالفان این گروه شد. گروه طالبان صبح روز یک‌شنبه (۱۴شهریور ماه) پس از چند روز درگیری در «پنجشیر» مدعی تصرف کامل این ولایت مهم شد و اعلام کرد «جنگ تمام شده است.» اما اخبار و گزارش‌ها از «پنجشیر» حاکی است علی‌رغم ادعای طالبان جنگ در این منطقه هنوز ادامه دارد و طالبان به دلیل موقعیت کوهستانی منطقه هنوز نتوانسته قدرت خود را به طور کامل در این منطقه تثبیت کند. در همین ارتباط منابع افغانستانی اعلام کرده‌اند که جبهه مقاومت ملی افغانستان مناطق «دره»، «آشار» و «بریان» در شمال و شمال شرق ولایت پنجشیر را از طالبان پس گرفته است. «صالح رجستانی»، رئیس کمیته نظامی جبهه مقاومت ملی افغانستان به

تاکید کرده است «می‌خواهم بار دیگر به طالبان و حامیان آن بگویم که ورود به پنجشیر به معنای پایان جنگ نیست بلکه این آغاز جنگ است.» همزمان در بسیاری از شهرهای افغانستان اعتراضات مدنی علیه طالبان شکل گرفته و مردم طالبان وارد میدان افغانستان شده است. بسیاری از رسانه‌ها گزارش دادند تداوم مقاومت جبهه پنجشیر احتمال سرایت این مقاومت به سایر مناطق افغانستان و الگوبرداری مبارزین از جبهه پنجشیر نیز وجود دارد. به نظر می‌رسد احمد مسعود است. در صورتی که طالبان وی را بکشد. او همانند پدرش به قهرمانی تبدیل خواهد شد و دیگری برای مبارزه در مقابل طالبان در جامعه قهرمان‌پرست افغانستان تبدیل خواهد شد.



تشکیل یک دولت کاملاً قومی در یک کشور متکثر که هیچ گروه قومی اکثریت را تشکیل نمی‌دهد؛ پاشنه آشیلی است که خیلی زود معضلات خود را نشان می‌دهد.

در صورت انزوای بین‌المللی دولت طالبان و در صورت عدم شناسایی دولت جدید از سوی جامعه جهانی بسیار محتمل است طالبان مماشات را کنار گذاشته و برای کنترل جامعه ناراضی افغانستان به رادیکالیسم سلفی- تکفیری گذشته خود رجعت کند.

استیلای پاکستان

یکی از چالش‌های بسیار مهمی که دولت نوپای طالبان را تهدید می‌کند خطر استیلای پاکستان بر تمامی مناسبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی این کشور است. طی هفته‌های اخیر پاکستان تمام قد در حمایت از گروه طالبان وارد میدان افغانستان شده است. بسیاری از رسانه‌ها گزارش دادند جنگنده‌ها، هلیکوپترها، پهپادها و کماندوهای ارتش پاکستان در سقوط پنجشیر و تثبیت قدرت طالبان در این منطقه نقش موثری داشته‌اند. برخی رسانه‌ها نیز اعلام کرده‌اند این سازمان اطلاعاتی پاکستان بود که زمینه پیشروی‌های گسترده و سریع طالبان را در طی ماه‌های اخیر در سراسر افغانستان فراهم کرد. سفر ژنرال «حمید فیض» رئیس سازمان اطلاعات پاکستان (آی‌اس‌آی) به افغانستان و اقامت چندروزه وی در کابل نیز از سوی رسانه‌ها با هدف زمینه چینی برای اعلام تشکیل دولت جدید و تغییر اوضاع در پنجشیر به نفع این گروه عنوان شد. برخی رسانه‌ها نیز اعلام کردند سفر وی به کابل برای حل و فصل اختلافات عمیق داخلی میان ملا برادر و سراج‌الدین حقانی بوده است. همزمان «شاه محمود قریشی» وزیر خارجه پاکستان، اجلاس مجازی با کشورهای همسایه افغانستان برگزار کرده تا راهی برای رسمیت بخشیدن به امارت طالبان پیدا کند.

سازمان اطلاعاتی پاکستان نقش ویژه ای در فرقه افکنی بین اقوام و مذاهب افغانستان طی سه دهه گذشته داشته است و به نظر نمی‌رسد که آنها سیاست قبلی خود را کنار گذاشته باشند. کابینا به طالبان نه به چشم یک دولت بلکه به عنوان یک گروه